

عواقب دو جنگ

فاصله بین دو جنگ عالم کبر از ربع قرن کمتر بود اما در ایران در همان مدت کوتاه بیست و یکسال حوادثی شگرف روی داد و ایرانیان با چشمی اشکبار و دلی خونین و کامی تلخ از کثر تابی روزگار طعم سستی را به غایت و مشقت را بنهایت چشیدند .

راست است که از دو واقعه مشابه دو نتیجه متضاد حاصل آمد و تخریب همانند میوه مختلف بیار آورد یعنی جنگ اول وطن ما را از مرگ حتمی رهانید و جنگ دوم ما را به عمق چاه خفت و مذلت کشانید معذک در هر دو جنگ دول متجاوز به معاذیری متوسل شده بر خاک وطن ما شبیخون زدند با سم سپاهیان خویش دیار ما را لگدمال کردند و غنچه های تازه شکفته آمال ما را منجمد ساختند و بهتر بگوئیم تاریخ تکرار شد و بگفته حافظ شیرازی :

چنین عزیز نکینی بدست اهرمن افتاد . زحمات چندین ساله در ترمیم شالوده اداره نوین به در رفت و نگرانی سعدی فنا ناپذیر تحقق یافت که :

نهال بسی سال گردد درخت زببخش بر آرد یکی باد سخت
این بلیه آتش بر جان میهن پرستان زد و مورخین را بیاد هجوم های
پی در پی در طول دوهزار و پانصد سال انداخت ؛ مقدونی های اسکندر
چگونه بر ما تاختند و سلسله پرافتخار هخامنشی را منهدم ساختند .

تاتارها از صحاری خشک و سوزان به مزارع سرسبز ما روی آوردند ، تازیان آثار عظمت باستانی ما را برباد دادند ، چنگیزیان و تیموریان جهانسوز چون بالای آسمانی ریشه هستی پیر و جوان را از بن افکندند و افغانها بر شاه نکون بخت صفوی هجوم آورده و آه و فغان را به کهکشان رساندند .

نگارنده با تلخ کامی چنین با خویشتن اندیشید ، راست است که ایران همواره از این آزمایشهای جانکداز جان بدر برده و بقول کنت « درو گبی تو » نویسنده فرانسوی :

« اگر ایران را تقسیم کنند و نام آنرا هم از نقشه عالم محو نمایند هرگز نخواهد مرد چنانکه تا کنون فتوحات و سلطه بیگانه نتوانسته است شخصیت ایرانی را از بین ببرد و مانند صخره سنگی موجودیت خود را در زیر امواج دریا حفظ نموده است . »

اما آثار ضعف و سستی بعد از قرنها هنوز نمودار بوده تا آنکه چندسال پس از پایان جنگ اول از فرصت مناسبی که اوضاع بین الملل بما داد استفاده کرده گامهایی بطرف اصلاحات و تجدید تشکیلات برداشتیم . به بنیان کاخهای مدرسه و بیمارستان و کارخانه پرداختیم ، در فرهنگ و بهداری و شهرسازی پیشرفتهای محسوسی بعمل آوردیم ، راه آهن پر طولی از شمال به جنوب کشیدیم ، در تنسيق نیروی نظامی جدیدی بلیغ مبدول داشتیم و میخواستیم با اراده استوار يك ناحیه عقب مانده مغرب آسیارا به ممالک مرقی باختر اروپا برسانیم افسوس که در چنین موقع مهاجمینی جدید به بهانه های مختلف بر ما تاختند و تخم ناموزونی در این دیار کاشتند .

کدام بهانه بی اساس تر از اینکه چند تن متخصص فنی آلمانی خواسته یا توانسته باشند از هزار فرسنگ مسافت زیانهای نظامی به انگلستان وارد آورند و حال آنکه دو روز بعد از آغاز جنگ اعلان بیطرفی ایران باین مضمون صادر شده و باتباع بیگانه تأکیدات بلیغ در مراعات این بیطرفی بعمل آمده بود :

« در این موقع که متأسفانه نائرة جنگ در اروپا برپا شده است به بیگانگانی که در ایران بهر عنوان زیست مینمایند نروما آگهی داده میشود که از ابراز هرگونه احساساتی که منافی بیطرفی کشور ایران باشد جداً خودداری کرده و متوجه باشند که مبادا برخلاف بیطرفی حرکتی از آنها ناشی شود - وزیر کشور » .

امیدوارم در نگارش این وقایع خامه من دستخوش لغزش نشود و طریق مبالغه نپیماید؛ مقصود آن است رازی را که تاکنون بر بسیاری از ایرانیان مستور بوده مکشوف سازم و شگاکین را از شائبه شبهه و ریب بیرون آورم و حقایق تاریخی را به سابقه اجدادی و شخصی نه تنها از محفظه ذهن خویش بروی کاغذ رسم نمایم بلکه برای اثبات بی غرضی و بیطرفی خود به اعترافات سیاستمداری که ناقض اصلی بیطرفی ایران بوده توسل جویم و اوصدا عظم شهیر انگلستان وینستون چرچیل بود . وینستون چرچیل در جلد پنجم خاطراتش علل حمله مسلحانه بایران را چنین شرح میدهد و مارا از هر تفسیری بی نیاز میسازد :

نروم ارسال انواع و اقسام ساز و برقم و مهمات برای شوروی از یکطرف و اشکالات روزافزون راه اقیانوس منجمد شمالی و نقشه های استراتژیکی متفقین در آینده از طرف دیگر بیش از پیش مارا بر آن میداشت که برای استفاده کامل از ایران بمنظور ارتباط با شوروی اقدام فوری معمول داریم .

جاههای نفت ایران بمنزله عامل مهمی در جنگ بشمار میرفت عدد کثیری از آلمانیها در تهران استقرار یافته و وجهه آلمان در ایران روز بروز بهتر میشد .

بهم خوردن نقشه شورش در عراق و اشغال سوریه از طرف انگلیس و فرانسه که در فاصله کمی صورت گرفت نقشه های هیتلر را در خاور مواجه با اشکال بسیار نمود و بنابراین ما از موقعیت استفاده کردیم و بر آن شدیم که بروسها دست اتحاد دهیم و باتفاق مبادرت بلشکر کشی بایران نمائیم .

البته من راجع بمبادرت بجنگ در ایران تا اندازه نگران بودم لیکن چاره جز آن نداشتم که بخطرات این جنگ تن دهم و گذشته از این بسیار خوشحال بودم که برای راهنمایی عملیات جنگی ژنرال ویول در هندوستان است .

روز ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۱ کابینه جنگ سران ستاد را مأمور کرد که برای موردی که دولت ایران حاضر به اخراج آلمانیهای مقیم این کشور نشود طرح يك نقشه نظامی مشترك با روسها را در ایران تهیه کند روز ۱۸ ژوئیه سران ستاد بما توصیه کردند که ما باید نسبت بدولت ایران یک روش جدی اتخاذ کنیم ژنرال ویول نیز کاملاً با این نظر موافق بود و روز پیش تلگراف زیر را بوزارت جنگ مخابره نموده بود :

بنظر من روش ملایمی که نسبت به ایران اتخاذ گردیده بپیچ روی موجه نیست زیرا دفاع هندوستان ایجاب میکند که ایران بیدرنک از وجود آلمانها پاك شود و اهمال در این راه موجب آن خواهد گردید

همان حوادثی که در عراق روی داد ولی بموقع از آن جلوگیری شد در ایران نیز تجدید شود.

ضرورت کامل دارد که ما از طریق ایران بروسیه ملحق شویم و هرگاه دولت کنونی ایران حاضر به تسهیل اقدام ما نگردد باید اراده خود را بردولت ایران تحمیل کنیم و در این هنگام که سر نوشت ببرد روسیه و آلمان نامعلوم است باید دولت ایران را تحت شدیدترین فشار قرار داد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی